

میراث به جامانده

گویش تالشی عنبران اردبیل

(ویلکیج)

مؤلف:

ربابه امیریان بوداللو



نشر جامعه

امیریان بودالالو، ربابه

میراث به جلا مانده: گویش تالشی عنبران اردبیل (ویلکیج) / مولف
ربابه امیریان بودالالو. -- تهران: جامعه نگر، ۱۳۸۴.

۱۶۸ ص.

ISBN: 964-8441-17-0: ۳۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۱۶۶ - ۱۶۸.

۱. تالشی. ۲. تالشی -- واژه نامه ها -- فارسی. الف. عنوان. ب.

عنوان: گویش تالشی عنبران اردبیل (ویلکیج). ج. عنوان: ویلکیج.

آ ۹ فا

PIA ۳۲۴۲ / ت ۷۱ الف ۸

۸۴-۸۰۹۱ م

کتابخانه ملی ایران



نشر جامعه نگر

میراث به جامانده گویش تالشی عنبران اردبیل (ویلکیج)

مولف: ربابه امیریان بودالالو

صفحه آرای: لیلا عدالت، طرح جلد: آزاده سالمی

ناشر: نشر جامعه نگر

ناظر چاپ: فرهاد قنبرزاده، چاپ و صحافی: رامین

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۴، تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

بها: ۳۰٪ / ۳۰۰ ریال

ISBN: 964-8441-17-0

۹۶۴-۸۴۴۱-۱۷-۰

شابک

مرکز پخش: نشر جامعه نگر

تالش: خیابان امام خمینی - روبروی بانک مسکن - نمایشگاه دایمی نشر جامعه نگر.

دفتر مرکزی: تهران - روبروی درب اصلی دانشگاه تهران - خیابان فخررازی

خیابان وحید نظری غربی - نبش کوچه فرزانه - پلاک ۱۹۴

تلفن ۶۴۹۴۱۸۷ و ۶۴۹۳۷۱۶

پیشگفتار

بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش‌ها و مطالعات تالش‌شناسان و ...، هسته اصلی زبان تالشی در سرزمین‌های غربی و جنوب غربی دریای خزر، در امتداد کوه‌های تالش قرار دارد: ناحیه‌ای که مانند یک حلقه رابط بین دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان پیوستگی بوجود می‌آورد. این کوه‌ها، از بلندی‌های گردنه حیران، از مناطق جنوبی و بالای دره سنگی شیدان و بلندی‌های شرقی سرزمین‌های نمین و عنبران^۱ و نواحی علیای ویلیکیج^۲ شروع و به موازات ساحل دریای خزر از جهت شمال به جنوب به مسیر خود ادامه داده و در مانسوله به بلندی‌های آق داغ می‌پیوندند.

«ویلیکیج» منطقه‌ای است که در شمال شرقی استان اردبیل واقع شده است. این منطقه که بسیار سرسبز و دارای آب و هوای کوهستانی است از نظر جغرافیای سیاسی یک منطقه مرزی محسوب می‌شود. به دلیل شرایط اقلیمی، دامداری عمدتاً و کشاورزی تا اندازه‌ای در این منطقه مهمترین وسیله معاش مردم می‌باشند.

این منطقه به سه بخش ویلیکیج شمالی، مرکزی و جنوبی به مرکزیت‌های عنبران، آبی بیگلر و حور تقسیم می‌گردد. از آنجا که عنبران پرجمعیت‌ترین منطقه تالش‌نشین در سراسر ویلیکیج به شمار می‌رود، بنابراین در این پژوهش از اولویت بیشتری نسبت به سایر مناطق آن برخوردار شد.

منطقه عنبران به عنوان یک منطقه مرزی بین دو کشور، جایگاه ویژه‌ای در تحقیقات زبانشناسی دارد زیرا نتایج آن بیانگر تشابهات و اختلافات زبانی مردم ساکن در مناطق مرزی

۱- ویلیکیج: بر پایه بررسی‌های غیرتخصصی و اظهارات آگاهان مردمی، بخش اول کلمه یعنی «ویل» در متون اوستایی به معنای «شهر» آمده است. اما «کیج» را بعضی به معنای «پرند» می‌دانند که این گروه ویلیکیج را به معنای شهر پرندگان در نظر می‌گیرند و اشاره می‌کنند که گویا در ماه‌هایی از فصل بهار این منطقه مکان مناسبی برای تجمع پرندگان بوده است ولیکن هیچگونه اطلاعاتی از انواع پرندگان مورد نظر ندارند. گروه دیگری معنای «کیج» را «پادشاه» تصور می‌کنند و آن را «شهر پادشاه یا پادشاهان» در نظر می‌گیرند اما در حال حاضر نشانه‌ای در مورد پادشاه یا پادشاهان این منطقه بصورت مکتوب موجود نمی‌باشد. علاوه بر این، معنای دیگری نیز برای این واژه در نظر گرفته شده است که در آن «ویل» را «کلاف» و «کیج» را «ابریشم» می‌دانند و کلاً به معنای «کلاف ابریشم» آورده شده است. تمامی این اظهارات غیرعلمی بوده و تاکنون هیچ تحقیق زبانشناختی در این مورد صورت نگرفته است. این مطالب را آقای دکتر احسان شفیقی طی گفتگویی در اختیار اینجانب قرار داده‌اند که از ایشان سپاسگزاری می‌نمایم.

دو کشور می‌باشد که به شناخت بیشتر روند تغییرات زبانی مورد نظر منجر می‌گردد.

اما عنبران، از آنجا که در استان اردبیل ترک زبان قرار گرفته است، باز هم جذابیت پژوهشی خود را حفظ کرده است. هیچ شکی نیست که میراث به‌جا مانده در زبان تالشی کنونی در مناطق داخلی استان اردبیل، بویژه در قسمت‌هایی که در گذر جریان زمان طولانی ارتباطات زبانی آنها با مردم تالشی زبان همسایه از بین رفته است، پدیده بسیار با ارزش و جالب توجه است.

گویش تالشی در منطقه مذکور به دلیل تماس‌های بسیار زیاد با زبان ترکی، در معرض خطر انحلال زبانی قرار گرفته است. همچنین با وجود رشد رسانه‌های گروهی و تحولات اخیر جامعه، مسلماً در آینده، تغییر یافت زبانی در منطقه مشاهده خواهد شد. هجوم فرهنگ‌های دیگر نیز به این دگرگونی سرعت بیشتری می‌بخشد، به‌طوری که حتی در میان ساکنین یک ناحیه گونه‌های زبانی مختلفی تحت تأثیر زبان‌های ترکی و فارسی مشاهده می‌شود.

بدین جهت، با توجه به نیاز ضروری گونه تالشی موجود در منطقه بود که پژوهشگر تصمیم گرفت موضوع تحقیق خود را به بررسی گویش تالشی منطقه مذکور اختصاص بدهد. بنابراین پس از مراجعه به دوردست‌ترین مناطق استان اردبیل و مشاهده سیمای طبیعی عنبران در ویلکیچ شمالی، آبادی میرزانق را واقع در سرحدات کوهستانی مرزی ایران و آذربایجان شوروی انتخاب نمود و مطالعات این پژوهش به آن منطقه محدود شد.

این کتاب علاوه بر مقدمه که مطالبی کلی در مورد اردبیل، و میرزانق همچنین زبان‌ها، گویش‌ها یا لهجه‌های این نواحی ارائه می‌دهد، در سه فصل به نگارش درآمده است: فصل اول به بررسی آواشناختی و واجشناختی اختصاص یافته است. در این فصل مطالبی از قبیل واجها و انواع آن‌ها، هجا، تکیه و برخی از تفاوت‌های آوایی گویش تالشی مورد نظر و فارسی معیار بررسی می‌شود. در فصل دوم صرف (ساخت واژه) مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این فصل به مطالبی در مورد انواع واژه‌ها از نظر ساخت تصریفی و اشتقاقی پرداخته می‌شود. فصل سوم که به نحو (ساخت جمله) اختصاص یافته است، انواع جمله را از نظر گروه‌بندی‌های تشکیل دهنده آنها و نیز وجه و آهنگ بررسی می‌کند.

در قسمت «پیوست‌ها» که در پایان کتاب آمده است فهرست واژگان این گویش، افعال، تعدادی جمله و نیز دو متن تالشی قرار دارد. اصطلاحات و کتابشناسی نیز در پایان آمده است.

گونه تالشی مورد تحقیق، ویژگی ارگتیو زبان های ایرانی میانه ی غربی و بعضی از زبان های شرقی را حفظ کرده است. در حقیقت، ساخت ارگتیو فاعل منطقی (عامل) را به حالت غیرفاعلی، و مفعول، به شکل فاعلی ظاهر می شود و فعل از نظر شمار، با مفعول خود، که در جایگاه فاعل دستوری جمله قرار گرفته، مطابقت می کند.

لازم است که از گویشوران بومی آقایان منتظر آقاجانی (با تحصیلات دانشگاهی، متولد سال ۱۳۴۸)، قربانعلی رضایی (با مدرک دیپلم، متولد سال ۱۳۴۶)، شاهرود آهنگری (با تحصیلات ابتدایی قدیم) که بدون همکاری آنها انجام این طرح میسر نمی گردید، همچنین از آقای علی عبدلی که با لطف فراوان پاسخگوی سوالات پژوهشگر بودند، سپاسگزاری نمایم. این طرح پژوهشی با راهنمایی استادان بزرگوار جناب آقای دکتر یداله ثمره و سرکار خانم دکتر ایران کلباسی بازبینی شده که از ایشان به خاطر بردباریهای بی نهایت سپاس دارم و نیز از سرکار خانم آزاده سالمی و جناب آقای مرتضی زینعلی که با مهربانی خودشان مرا در نشر این کتاب یاری داده اند تشکر نمایم.

سرانجام سخن از همسر من آقای مهرداد زینعلی که این کار بدون همیاری و دلگرمیهای ایشان به انجام نمی رسید، صمیمانه قدردانی می کنم. امید است این طرح پژوهشی گام مثبتی در مسیر شناسایی گویش های ایرانی بویژه گویش تالشی و ثبت و نگهداری آن باشد.

ربابه امیریان

فهرست مطالب

۱۵	مقدمه
۱۵	موقعیت تاریخی، جغرافیایی، طبیعی و انسانی تالش
۱۵	یک - قوم و سرزمین تالش
۱۸	دو - استان اردبیل
۲۰	سه - میرزاتق
۲۰	چهار - زبانها، گویشها یا لهجه‌های رایج در میرزاتق
۲۱	پنج - گویش تالشی و تحقیقات انجام شده درباره آن
۲۳	شش - نقشه‌ها

فصل اول: بررسی آواشناختی و واجشناختی

۲۶	۱-۱- واکها
۲۶	۱-۱-۱- واجهای واکهای
۲۷	۱-۲-۱- واجگونه‌های واکهای
۲۸	۱-۳-۱- واکهای مرکب (دوگانه)
۲۸	۱-۴-۱- واکهای میانجی
۲۸	۱-۵-۱- نمودار واکها
۲۸	۲-۱- همخوانها
۲۹	نمودار واکها
۲۹	۱-۲-۱- واجهای همخوانی
۳۱	۲-۲-۱- همخوانهای میانجی
۳۱	۳-۲-۱- جدول واجهای همخوانی
۳۲	۳-۱- ساختمان هجا
۳۲	۴-۳-۱- تکیه
۳۳	۵- تفاوت‌های آوایی بین این گویش و فارسی معیار
۳۴	۱-۵-۱- تفاوت‌های همخوانی
۳۶	۲-۵-۱- تفاوت‌های واکهای

فصل دوم: صرف (ساخت واژه)

۳۸	الف - ساخت تصریفی واژه
۳۸	۱-۲ اسم
۳۹	۲-۱-۱ شمار (مفرد و جمع)
۳۹	۲-۱-۲ معرفه و نکره (شناختگی)
۳۹	۲-۱-۳ نشانه اضافه
۴۰	۲-۱-۴ نشانه ندا
۴۱	۲-۲ ضمیر
۴۱	۲-۲-۱ ضمایر شخصی
۴۳	۲-۲-۲ ضمایر اشاره
۴۳	۲-۲-۳ ضمایر اشاره تأکیدی
۴۴	۲-۲-۴ ضمیر متقابل
۴۵	۲-۲-۵ ضمیر مشترک
۴۵	۲-۲-۶ ضمایر پرسشی
۴۵	۲-۲-۷ ضمایر مبهم
۴۶	۲-۳ صفت
۴۶	۲-۳-۱ صفت قاموسی
۴۷	۲-۳-۲ صفت اشاره
۴۸	۲-۳-۳ صفت اشاره تأکیدی
۴۸	۲-۳-۴ صفت پرسشی
۴۸	۲-۳-۵ صفت مبهم
۴۸	۲-۳-۶ صفت تعجبی
۴۹	۲-۳-۷ صفت عددی
۴۹	۴-۲ عدد
۴۹	یک - اعداد اصلی
۴۹	دو - اعداد ترتیبی
۵۰	سه - اعداد کسری
۵۰	۵-۲ قید
۵۲	۶-۲ نقش نماها
۵۲	۶-۲-۱ حروف اضافه

۵۳	۲۶-۲ حروف ربط
۵۴	۷-۲ اصوات
۵۵	۸-۲ فعل
۵۵	۱-۸-۲ ستاک حال
۵۵	۲-۸-۲ ستاک گذشته
۵۶	۳-۸-۲ مصدر
۵۶	۴-۸-۲ اسم مفعول (صفت مفعولی)
۵۶	۵-۸-۲ وندهای تصرفی فعل
۵۹	۸-۲ انواع فعل از نظر زمان، وجه، نمود
۶۹	۷-۸-۲ فعل از نظر جهت
۶۹	۸-۸-۲ فعل لازم و متعدی
۶۹	۹-۸-۲ فعل سببی
۷۰	۱۰-۸-۲ افعال خاص
۷۴	۱۱-۸-۲ فعل معین
۷۵	۱۲-۸-۲ افعال شبه معین
۷۸	۱۳-۸-۲ فعل از نظر ساخت اشتقاقی
۷۹	۱۴-۸-۲ پیشوندهای اشتقاقی فعل
۸۰	۱۵-۸-۲ انواع جزء غیر فعلی در فعل مرکب
۸۱	۹-۲ واژه‌های غیر فعلی از نظر ساخت اشتقاقی
۸۱	۱-۹-۲ انواع واژه‌های مرکب
۸۳	۲-۹-۲ پیشوندهای اشتقاقی
۸۳	۳-۹-۲ پسوندهای اشتقاقی

فصل سوم: نحو (ساخت جمله)

۸۶	۱-۳ انواع گروه در جمله
۸۶	یک - گروه اسمی
۸۸	دو - گروه قیدی
۸۸	سه - گروه فعلی
۸۸	۲-۳ جمله و اجزاء آن
۸۹	۳-۳ تطابق فاعل و فعل از نظر شخص و شمار

۸۹	۴-۳. جمله با فعل اسنادی
۹۰	۵-۳. انواع مفعول
۹۰	جای ضمائر شخصی پیوسته به عنوان فاعل در جمله
۹۱	۷-۳. انواع جمله از نظر تعداد فعل
۹۱	۱-۷-۳. جمله ساده (بند)
۹۱	۲-۷-۳. جمله مرکب
۹۴	۸-۳. جمله شرطی
۹۴	۹-۳. انواع جمله از نظر وجه
۹۴	یک - امری
۹۴	دو - خبری
۹۵	سه - پرسشی
۹۵	چهار - التزامی
۹۵	۱۰-۳. انواع جمله از نظر آهنگ
۹۶	یک - خیزان
۹۶	دو - افتان
۹۶	سه - خیزان افتان
۱۶۸	منابع و مأخذ
۱۶۸	فهرست منابع فارسی
۱۶۹	فهرست منابع انگلیسی

نشانه‌ها

الف - همخوانها:

خط فارسی

خط آوانگار

p	پ
b	ب
t	ت، ط
d	د
k	ک
g	گ
q	ق، غ
ʔ	ء (همزه)
f	ف
v	و
s	س - ث - ص
ʒ	ز - ذ - ض - ظ
ʃ	ش
ʒ	ژ
x	خ
h	ح، ه
ç	چ
j	ج
r	ر
l	ل
m	م
n	ن
y	ی

ب - واکه‌ها:

a	ا
â	آ

e	اِ
i	اِیِ یِ
o	اَوِ وِ
u	اَوِ وِ
ə	اِمرکزی، /ə/
u:	اَو کشیده
a:	اِ کشیده
e:	اِ کشیده
ey	ایِ
ây	آیِ
ay	ایِ
uy	اویِ
ow	اوِ
oy	ایِ

جمع سایر نشانه‌ها

φ	صفر
	تکیه
/	یا
[]	نشانه آوانویسی و نیز صدای میانجی
//	نشانه واج نویسی
:	کشش
()	می تواند باشد یا نباشد (اختیاری)
→	تبدیل می شود به...
صفحه	ص
رجوع کنید	رک

موقعیت تاریخی، جغرافیایی، طبیعی و انسانی تالش

یک - قوم و سرزمین تالش

دنباله رشته کوههای البرز که از کناره غربی سفیدرود آغاز می‌شود و تا آستاراچای، به طول ۳۰۰ کیلومتر امتداد دارد، موسوم به «کوههای تالش» است. مردمی که در سراسر این رشته کوه و بخشی از دامنه‌های جلگه‌ای آن - حدفاصل بین کوه و دریای خزر - زندگی می‌کنند، به نام «تالش» یا «تالشان» شناخته شده‌اند.^۱

«تالش» که نامش از «تالوش» گرفته شده و تغییر شکل یافته همان نام «کادوس» باستان است، در روزگاران قدیم، منطقه وسیعی را دربرمی‌گرفت که از یک طرف با آلبانیای قفقاز همسایه بود و از طرف دیگر پس از پیوستن به سفیدرود، به کشور «آماردان» می‌رسید.^۲

کادوسی‌ها «تالشان باستان» آسیایی نبودند و خیلی قبل از کاسی‌ها و آریایی‌ها و کیمری‌ها و اسکیت‌ها، از آن سوی کوهستانهای قفقاز به مناطق جنوب سرازیر گشته و در اولین برخورد، تالش، این سرزمین سبز و پرآب و نعمت کوهستانی را با شکارگاههای فراوان آن برگزیدند و در آن مستقر شدند.^۳

این قوم چادرنشین و گله‌دار بودند و به پرورش اسب و سگ نیز مشغول بودند، این دو حیوان را در جنگلها و حملات به حیوانات وحشی و حفاظت از گله، حامی خود تصور می‌کردند و به همین دلیل آنها را عزیز و محترم می‌شمردند. تالشان باستان آتش را همچون آفتاب مقدس می‌دانستند. اجاق یا کانون آتش را در وسط چادرهای مدور خود قرار داده، با خانواده به دور آن می‌نشستند. آنها علاوه بر ظروف سفالی، اشیای فلزی نیز می‌ساختند و در ساختن ادوات جنگی مثل تیروکمان بویژه خنجر و شمشیرهای کوتاه مهارت داشتند.^۴

کادوسی‌ها، بصورت گروهی در منطقه و بیشتر در مناطق کوهستانی و دامنه‌ها پراکنده بودند و هر گروهی دارای رئیس برای خود بود که در مواقع اضطراری و جنگ، به هم می‌پیوستند. آنها با همسایگان خود نیز پیمان جنگی داشتند و قبل از تشکیل دولت مادو با

۲- عبدالکریم آفاجانی تالش (۱۳۷۸)، ص ۳.

۴- دایرة المعارف لاروس (۱۹۷۴)، ص ۱۳۶۸.

۱- علی عبدلی کلوری (۱۳۷۱)، ص ۱۹.

۳- همان منبع، ص ج.

قبایل همسایه، اتحادیه نظامی برقرار ساخته بودند.

کادوسی‌ان یعنی نیاکان تالشان فعلی، به جهت خویشاوندی نژادی با اقوام کاسی و آریاییان و سکاها، با آنها برخورد دوستانه داشتند؛ پروفیسور ژاک دومرگان، باستان‌شناسی فرانسوی که در مناطق مختلف تالش ایران و روسیه، در نواحی لنکران، نمین، آق‌اولر، لریک، داش‌کپرو به مناطق زیست و گورستانهای باستانی آنها دست یافته و در آن مناطق به حفاری و کاوش پرداخته، در مطالعات خود روشن می‌سازد که صاحبان این بناها و گورها، بیش از چهار یا پنج هزار سال قبل در این سرزمین‌ها تمدنی تشکیل داده‌اند و برخلاف بومیان و علی‌رغم طبیعت جنگجویی و زندگی کوهستانی، از تمدن نسبتاً پیشرفته‌ای برخوردار بوده‌اند.^۱ تا جایی که از منابع تاریخی روشن می‌شود حداقل از دوران حکومت مادها در سرزمین یاد شده دولت نظام‌داری وجود داشته که از آن به نام دولت «کادوسی» یاد شده است. هنوز گورها و اشیای مربوط به آن دوران که پروفیسور دومرگان آنها را با نام «دلمن» شناسانده، در سراسر کوهستانها، جنگلها و مناطق مختلف تالش بخصوص در گورستان باستانی «آق‌اولر» به چشم می‌خورد.

تالش یکی از گذرگاههای مهم باستانی است که در مسیر حرکت اقوام مختلف مهاجر قرار داشته و در آن زمان، سراسر منطقه تالش بزرگ، همچنین دشت اردبیل، دامنه‌های کوهستان سبلان، و کناره‌های ارس و کورا، از جنگل‌های انبوه پوشیده و در آن محیط شرایط زندگی خاصی حاکم بوده است.

تالشان اولین بار در زمان کوروش کبیر در عرصه سیاست ظاهر شدند و به درخواست کوروش وارد سپاه او شده، به یاری او بپاخاستند و در زمان داریوش و دیگر جانشینان، در داخل اتحادیه نظامی قبایل کوهستانی قرار داشتند، بنا آن که تالشان در لشکرکشی‌ها و جنگ‌های هخامنشیان نقش موثری داشتند اما سرزمین تالش جزو قلمرو رسمی هخامنشیان محسوب نشده و نامش نیز در کتیبه داریوش دیده نمی‌شود و معلوم می‌شود که از ایالتهای نیمه مستقل مادخرد بوده است، در دوره اسکندر و حکومت جانشینان او، تالشان به عضویت اتحادیه نظامی آنورپات درآمده و در زیر فرمان او قرار گرفتند.^۲

در دوره ساسانیان و همزمان با کشتار مذهبی آنها، زمانیکه مردم غیر زردشتی به دست پادشاهان ساسانی قتل عام می‌شدند، کشورهایی مثل آلبانیای قفقاز «آران» و کادوس (تالش)،

با آن که با اقوام گیل و دیلم بهم آمیخته و متحد شده بودند، به جهت همجواری با مناطق مرزی و تنگه‌های شمالی و علل سیاسی دیگر، از فشار و تحمیل و کشتارهای دینی پادشاهان ساسانی در امان ماندند.^۱

بعد از حمله عرب به ایران، نام تالشان به شکل «طلشان» تغییر یافته و در بیشتر متون تاریخ اسلامی بصورت «طیلسان» دیده می‌شود و آن کلمه‌ای معرب به معنای ردا و روپوش بلندپشمنی است. طیلسان از سده‌های اول تاریخ اسلام به صورت اسم برای قومی به کار رفته است که بیش از آن «کادوس» یا «کادوسی» نامیده می‌شوند و بعدها - تقریباً از زمان سلطه مغول بر ایران - طیلسان منسوخ و لفظ فارسی آن یعنی طالشان یا تالشان رایج شد.^۲

کلمه تالش یا طوالش در هیچیک از متون قدیم به صورت اسم مکان یا منطقه مورد سکونت قوم تالش نیامده است. این وجه استعمال در سده‌های اخیر متداول شده و «شهرستان تالش» نیز عنوان جدیدی است که به غلط جایگزین «شهرستان هشتر» شده است.^۳

در زمان صفویان با وجود اینکه سراسر گیلان و تالش تحت حکومت دولت مرکزی ایران درآمد و سازمانهای حکومتی قدیم در آن سرزمین دگرگون شده و زیر فرمان سیاستهای اداری جدیدی شد که دربار صفوی تعیین می‌نمود، باز هم دیار تالش نام واحدی نداشت و هر ناحیه از منطقه مورد نظر به نام بزرگترین شهر آن ناحیه خوانده می‌شد.^۴

مهمترین آن نواحی شامل قومن، تولم، گسکر، دولاب، تول وناو، آستارا و لنکران بودند. حاکمان این نواحی ضمن داشتن استقلال نسبی تابع وزارت گیلان بودند. این سیاست تاحدودی در دوره‌های افشار و زند هم اعمال می‌شد اما از آغاز استقرار دولت قاجار، شروع به تغییر کرد. سرکشی خان‌های نمین که برخی از آنها حاکم و مالک تمامی زمینهای بین مغان و گسکر محسوب می‌شدند، فتحعلی شاه قاجار را وادار کرد که آذربایجان و تالش را از یکدیگر جدا ساخته و حکومت هر منطقه رابه دست خان‌های محلی بسپرد. به این ترتیب آستارا و نمین وابسته به اردبیل باقی ماندند.^۵

در تقسیمات جدید دوران حکومت جمهوری اسلامی آستارا به استان گیلان پیوسته

۲- علی عبدلی کلوری (۱۳۷۱)، ص ۱۹-۲۰.

۴- همان منبع، همان ص

۱- همان منبع، همان ص

۳- همان منبع، ص ۲۰

۵- هل. رابینو (۱۳۵۷)، ص ۹۸

است اما نمین و تالشان ساکن این منطقه وابسته به استان اردبیل هستند.

دو - استان اردبیل

این استان از شمال با جمهوری آذربایجان همسایه بوده و نزدیک به ۳۲۴ کیلومتر مرز مشترک آبی و خاکی با این کشور دارد. از قسمت شرقی با استان گیلان، از جنوب با استان زنجان و از غرب با استان آذربایجان شرقی همسایه است. براساس آخرین تقسیمات کشوری استان اردبیل با وسعتی معادل ۱۷۹۵۲/۵ کیلومترمربع به لحاظ وسعت حدود ۱/۰۹ درصد مساحت کل کشور را به خود اختصاص داده است.^۱

این استان به مرکزیت شهر اردبیل دارای ۹ شهرستان، ۱۷ شهر، ۲۱ بخش، ۶۳ دهستان و ۲۲۱۸ آبادی می‌باشد. شهرستانهای استان شامل اردبیل، بیله‌سوار، پارس‌آباد، خلخال، گرمی (مغان)، مشگین‌شهر، کوثر، نمین و نیر می‌باشد. تعداد آبادیهای مسکونی استان ۱۸۷۹ و سهم آن از کل آبادیها ۸۴/۷ درصد است. براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ کل آبادیهای ۲۰ خانوار و بالاتر استان ۱۰۴۵ آبادی بوده است که برابر با ۵۵/۶ درصد کل آبادیهای مسکونی استان می‌باشد.^۲

چهره عمومی استان اردبیل متأثر از ارتفاعات کوهستانهای سبلان، تالش و بزغوش می‌باشد و رودهای فراوانی در این استان هستند که از مهمترین آنها «قره‌سو» است که از دامنه‌های شمال غربی کوههای تالش سرچشمه گرفته و بعد از طی مسیری پرپیچ‌وخم به رود مرزی ارس می‌ریزد. آبهای معدنی اردبیل بسیار مهم و قابل توجه می‌باشد. آثار آتشفشانی سبلان در منطقه اردبیل در چندین محل به شکل چشمه‌هایی ظاهر شده است که نه تنها در سطح استان، بلکه در سراسر ایران شهرت فراوانی دارد. معروف‌ترین آبهای گرم اردبیل در شهرک سرعین واقع شده است. دریاچهٔ نئور از آبهای راکد اردبیل است که در فاصلهٔ ۴۸ کیلومتری جنوب شرقی اردبیل به طرف خلخال و در منطقه کوهستانی قرار دارد. این دریاچه از سال ۱۳۴۹، جزو منطقه حفاظت شده اعلام گردید و در حال حاضر نوعی ماهی قزل‌آلای رنگین‌کمان در آن پرورش داده می‌شود.^۳

۱- سازمان برنامه و بودجه استان اردبیل (۱۳۷۸)، ص ۱

۲- همان منبع، ص ۴.

۳- فرهنگ جغرافیایی آذربایجان شرقی (۱۳۶۸)، ص ۱۷۰.

دریاچه شورابیل، در جنوب و در محدوده طرح جامع شهرستان اردبیل قرار دارد. کف این دریاچه از گل و لای و لجن سیاه رنگ نمکی تشکیل شده و سطح آب را قشری سفید از املاح نمک به ضخامت پنج تا هشت سانتی متر پوشانیده است که در معالجه بیماریهای پوستی و روماتیسمی موثر می باشد.

استان اردبیل دارای چهار اقلیم مدیترانه ای گرم، مدیترانه ای معتدل، کوهستانی سرد و کوهستانی معتدل می باشد. این منطقه از نواحی سردسیر ایران بوده و ماههای یخبندان آن بین ۵ تا ۸ ماه است و بارندگی در تمام فصول وجود داشته ولی شدت بارندگی آن در بهار و پاییز است. وجود کوهستانهای سیلان، تالش و بزغوش در این استان و تأثیر بخارهای دریای خزر و بادهای سرد شمالی و جنگلهای شمال و شرق منطقه، در میزان بارندگی و نوسان دمای آن بسیار موثر است.^۱

این استان از مراکز عمده اقتصادی و کشاورزی ایران است که از نظر تولیدات کشاورزی وضع متعادلی دارد. از جهت تولید علوفه دامی خودکفاست و از لحاظ تولید سیب زمینی، حبوبات و بذر چغندر قند از مراکز عمده صادراتی کشور محسوب می شود.^۲

علاوه بر کشاورزی که شغل اساسی مردم این استان محسوب می شود، اشتغالات وابسته به کشاورزی نیز وجود دارد که در این زمینه باید از دامپروری، باغداری، مرغداری، زنبورداری و ماهیگیری نام برد.

از صنایع موجود در سطح استان می توان به دو گروه صنایع دستی و ماشینی اشاره کرد.^۳

الف - صنایع دستی

این صنایع که در گذشته ای نه چندان دور، در تمام منطقه گسترش داشت اکنون نیز عمده ترین صنعت سنتی مردم شهری و روستایی محسوب می شود. معروفترین رشته های صنایع دستی اردبیل قالیبافی، گلیم، جاجیم بافی، شالی بافی و سنالگری است. قالیچه قوبای اردبیل بسیار معروف است.

۲- همان منبع، ص ۱۷۴.

۱- همان منبع، ص ۱۷۲.

۳- همان منبع، ص ۱۷۶.

ب - صنایع ماشینی

در این استان صنایع بزرگ قابل توجهی وجود ندارد. تنها در این زمینه باید از کارخانه ریسندگی اتحاد نام برد که خامه قالی تولید می‌کند. آجرفشاری عالی جهان و آجرفشاری کسبلی نیز در ردیف صنایع بزرگ این منطقه محسوب می‌شود. بقیه صنایع عمدتاً در رشته‌های زیر فعالیت می‌کنند: صنایع غذایی و آشامیدنی، نساجی، پوشاک و چرم، کاغذ و چاپ، شیمیایی، معدنی غیرفلزی، ماشین‌آلات و سیمان.

سه - میرزاق

آبادی میرزاق که موضوع تحقیق این پایان‌نامه از لحاظ زبانی است یکی از مناطق مرزی اردبیل با جمهوری آذربایجان است، که در قسمت شمال شرقی شهرستان نمین قرار دارد. براساس آخرین سرشماری در سال ۱۳۷۵ آبادی موردنظر در یک ناحیه کوهستانی قرار گرفته و نوع راه آن جاده شوسه می‌باشد.^۱ طبق این آمار ۱۳۱ خانوار در آبادی زندگی می‌کنند و جمعیت تقریبی منطقه حدود ۷۴۸ نفر می‌باشد. از جهت امکانات زندگی سالم این آبادی دارای آب لوله کشی تصفیه نشده، برق، حمام، بهیار و مامای روستایی است. این منطقه تحت پوشش امواج رادیویی جمهوری اسلامی ایران با موج متوسط و اف.ام است، همچنین از میان شبکه‌های تلویزیونی ایران تنها شبکه اول در این منطقه کانال دارد. از امکانات دیگر این منطقه می‌توان به تلفن و دسترسی به وسیله نقلیه عمومی برای ساکنانش اشاره کرد. این روستا دارای شورای اسلامی از نوع روستایی و نیز یک پایگاه مقاومت بسیج است که باعث ارتباطات گسترده تر اهالی آبادی با مناطق همسایه می‌شود.

چهار - زبانها، گویشها یا لهجه‌های رایج در میرزاق

آبادی میرزاق در منطقه‌ای به نام عنبران قرار دارد که می‌توان با قاطعیت اظهار کرد تمامی ساکنان این ناحیه به گویش تالشی تکلم می‌کنند. هرچند این گویش در بعضی بخشها تفاوتهایی می‌کند ولی بطور کلی زبان مردم این منطقه متأثر از گویش تالشی است. به سبب همجواری با مناطق ترک زبان همسایه (نمین و اردبیل)، مردم این منطقه با زبان ترکی نیز آشنایی داشته و در مواقع نیاز مانند تجارت و ارتباطات اجتماعی دیگر با آن

صحبت می‌کنند.

در جریان این تحقیق ارتباط با افرادی برقرار شد که تنها به زبان فارسی و گویش تالشی تسلط داشتند و اصلاً نمی‌توانستند ترکی صحبت کنند، البته باید متذکر شد که تعداد این افراد در مقایسه با گروه اول کمتر است.

اما گروه سوم زبانی را کسانی تشکیل می‌دهند که به دو زبان فارسی و ترکی و گویش تالشی مسلط هستند و در موقعیتهای اجتماعی مختلف یکی از آنها را به عنوان کانال ارتباط زبانی انتخاب می‌کنند.

گویش تالشی منطقه به جهت همسایگی با اکثریت ترک زبان و همچنین زبان آموزشی منطقه که همان فارسی استاندارد است، به شرایط انفعالی کشیده شده و پیوستن یک تالشی به جامعه ترک زبان در اغلب موارد خودآگاهانه و از روی تسلیم صورت می‌گیرد.

پنج - گویش تالشی و تحقیقات انجام شده درباره آن

رده‌بندی زبان تالشی میان انواع دیگر زبان‌های ایرانی: بر اساس ویژگی‌های آوایی آن تعیین می‌شود. از نظر آوایی تالشی به گروه شمال غربی زبان‌های ایرانی وابسته است و با آنها خصوصیات مشترکی دارد.

این گروه زبانی یعنی بلوچی، مازندرانی، کردی، گیلکی، تاتی و گویش‌های دیگر مناطق ایران و ویژگی‌های دوره میانه زبانهای ایرانی، و حتی در مورد چندین واژه، خصوصیات ایرانی دوره باستان را آشکار می‌سازد.

در زمینه شناخت تالشی تحقیقات گسترده‌ای به وسیله زبانشناسان روسی و آذربایجانی انجام شده که همه آنها از ارزش خاصی در گویش‌شناسی برخوردارند.

ای. م. اورانسکی که خود از نخبگان علم زبانشناسی است، در مقدمه مفضل فقه الفه ایرانی خود درباره گویش تالشی می‌نویسد: «مطالعه تاتی و تالشی به قرن گذشته برمی‌گردد که توسط و. ف. میللر انجام شده و در دوره بعد از انقلاب توسط پسر وی ب. و. میللر دنبال شد، وی چندین اثر درباره تالشی از قبیل مجموعه‌ای از متون همراه با ترجمه‌های آن و نیز فرهنگ تالشی - روسی - فرانسوی و یک تک نگاری مفصل به نام تالشی منتشر کرد و نیز ر. اوشور و و. س. ساکالوا تحقیقات واج‌شناسی ویژه‌ای در زمینه تاتی و تالشی انجام داده‌اند.^۱

دورن نیز در تنظیم دستور تالشی تحقیقاتی دارد. عبدالکریم آقاجانی تالشی چنین نوشته است: «از گزارشی که ب.آ. دورن به آکادمی علوم شوروی داده است، روشن می‌شود که او به بررسی تالشی نیز مشغول بوده است، وی برای مطالعه تالشی، دوبار در سالهای (۱۸۶۰-۱۸۶۱) به لنکران سفر کرد و در همین سفرها، موارد مربوط به این تحقیقات را جمع کرده و بر اساس آنها دستور تالشی را تنظیم کرد»^۱.

زبان‌شناس مشهور آذربایجان عبدالله یف، تحقیقات گسترده‌ای در زمینه آواشناسی، واژه‌شناسی و دستور تالشی انجام داده که او را در زمره تالشی‌شناسان ممتاز سالهای اخیر قرار داده است. بعد از یف می‌توان به کارهای میرزا کاظم بیگ و شاگردش بروزین استاد دانشگاه کازان، در مورد مسائل دستور تالشی اشاره کرد که جالب توجه است^۲.

اما بررسی‌های زبان‌شناسی که در مورد تالشی به وسیله ایرانیان انجام شده است، بسیار انگشت شمار می‌باشد که از میان آنها می‌توان به کارهای مرحوم کسروی اشاره کرد که در ریشه‌شناسی بعضی از گویش‌های ایرانی انجام شده است. تحقیقات مرحوم خانلری زبان‌شناس ایرانی به جای خود ارزشمند بود، زحمات آقایان استاد محمد تقی بهار، یحیی ذکا، عبدالعلی کارنگ و دکتر منوچهر مرتضوی در ایران هر یک قابل توجه هستند. کارهای دکتر رضا مدنی در بررسی واژه نامه‌ها و دستور نامه‌های نوشته‌های تالشی قابل قدردانی است^۳.

از تحقیقات جدیدی که در سالهای اخیر به وسیله ایرانیان صورت گرفته است می‌توان به پایان‌نامه کارشناسی ارشد محرم رضایتی اشاره کرد که در هفته‌نامه کادج (۱۳۷۲)، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. پایان‌نامه دیگری نیز در این زمینه به وسیله مهرداد نغزگوی کهن در دانشگاه تهران و گروه زبان‌شناسی سال ۱۳۷۵ انجام شده است که در مورد توصیف ساختمان دستگاه فعل در گویش تالشی دهستان طاسکوه ماسبال است. حمید حاجت‌پور از دانشگاه آزاد در سال ۱۳۷۶ نیز در مورد گویش تالشی منطقه تالش دولا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را نوشته است که اطلاعات جالبی، به دست می‌دهد.

تحقیق جامع‌تری نیز به وسیله احسان یارشاطر از دانشگاه کلمبیا در مورد تالش منطقه سالم صورت گرفته است. کتاب مهمی که در زمینه تالش نوشته شده است فرهنگ تاتی و تالشی نوشته علی عبدلی کلوری است. دکتر صادقی درباره این کتاب چنین نوشته است: «این

۱- عبدالکریم آقاجانی تالشی، (۱۳۷۸)، ص ۹۴۱.

۲- همان منبع، ص ۹۴۲-۹۴۳.

۳- همان منبع، ص ۹۳۶.

کتاب از این نظر که شامل واژه‌نامه‌ای از دو گویش تالشی و تاتی است که در ارتباطات زبانی نزدیکی با هم دارند بسیار مفید است. در پایان این کتاب نکات دستوری تاتی و تالشی به طور اجمالی بررسی شده است. همچنین با دقت در مواضع مختلف کتاب رابطه این گویش‌ها با زبان‌های باستانی ایران و ویژگی‌های آوایی و صرفی و نحوی آنها برای آشنایان به زبان‌های تا حدی روشن می‌شود.^۱

ولی در زمینه گویش تالشی منطقه میرزاتق تا آنجا که پژوهشگر اطلاع دارد بصورت اختصاصی هیچ تحقیقی صورت نگرفته است و همین امر باعث مشکل‌تر شدن جریان کار این تحقیق شده که امید است نتایج پژوهش حاضر گامی در راستای شناسایی بهتر گویش‌های ایرانی و بویژه زبان و فرهنگ تالشی باشد.

نقشه‌ها